

کتاب باید وارد زندگی مردم شود.

مقام معظم رهبری



شکوه تقدیسیان

اشاره

به راستی چرا توقع داریم کودکان و نوجوانان کتابخوان بار ببینند؟ در شرایطی که کتابخوانی هیچ تأثیر محسوس و روشنی روی سرنوشت و زندگی کودکان ما ندارد، چرا اصرار داریم کودک خسته و ملول از بار سنگین درس و مشق، از همان معدود تفریحات تکراری خود دست بکشد و اوقاتش را به مطالعه بگذراند؟ دانش‌افزایی اگر به ارتقای موقعیت تحصیلی یا بهبود شرایط زندگی نینجامد، جز برای اظهار فضل به چه درد دیگری می‌خورد؟ گرچه دانش‌آموزان ایرانی از مطالعه نداشتن اصلاً ناراحت نیستند و از این لحاظ هیچ کمبودی احساس نمی‌کنند، اما جامعه از ضعف بنیة علمی نیروهای کار و فعالیت آینده‌اش رنج و عذاب فراوان خواهد برد. چاره‌ای نیست جز آن که راهی بیابیم تا کتابخوانی بر زندگی فرزندانمان اثر ملموس و تعیین‌کننده‌ای بگذارد.

در مقالة حاضر، از میان راه‌های برون رفت از این معضل، به دو مورد اشاره شده است: فرایند محوری و تألیف کتاب‌های آموزشی مناسب.

کتاب، دانش‌نمادین انسان است. علم و آگاهی، تموج عواطف و احساسات درونی انسان‌ها، تحولات اجتماعی و

فرهنگی اقوام و تاریخ ملت‌ها، به خوبی از خلال نوشته‌ها و کتاب‌ها آشکار می‌شوند. در روزگار توسعه فناوری‌های دیجیتال، هنوز هم جایگاه کتاب و کتابخانه و نشریات محفوظ و قابل توجه است. کتاب با همه اهمیت و ارزشی که دارد، اگر بی‌مشتري بماند، ثمرات مفید خود را از دست می‌دهد.

کتاب‌ها تألیف می‌شوند تا دانایی ماندگار شود و مایه‌های درونی فردی، درون شط همیشه جاری تاریخ به دریای خود بپیوندند. علاقه‌مندان به مطالعه و مشتریان همیشگی کتاب، صیاد فرصت‌ها و گوهرهای ناب اندیشه و دانشند. تعامل پیچیده طبیعت و انسان، سرنوشت ناگزیر او را رقم می‌زند. برای آگاهی از آنچه هست، آنچه باید باشد و آنچه خواهد شد، ذهن نیازمند «تأمین» و فکر نیازمند «تحلیل» است. خو کردن به «عادت مطالعه»، نیازهایی از این قبیل را برآورده می‌کند. البته عادت مطالعه، خود به خود ایجاد نمی‌شود؛ «برنامه»، «زمینه» و «انگیزه» می‌خواهد. این سه عامل، ساختار مدیریت کتابخوانی و مطالعه را تشکیل می‌دهند که نه در یک نظام خطی، بلکه منطقی، قابلیت اجرا و تعمیم دارد.

مدیریت مطالعه به دوران کودکی عنایت خاص دارد، زیرا بسیاری از عادت‌های کودکی، در فرد نهادینه می‌شوند و باقی می‌ماند. برای نهادینه کردن فرهنگ مطالعه، در جامعه‌ای که نسبت به آن کم‌التفات است، تلاشی همگانی به منظور ایجاد فضایی خاص، چه در برنامه‌های درسی و چه در آموزش‌ها و برنامه‌های غیررسمی، ضرورت دارد.

در حال حاضر، برنامه‌ریزی رسمی آموزشی در مدرسه‌ها به گونه‌ای است که ضرورتی برای

مطالعه کتاب در بچه‌ها ایجاد نمی‌شود. در کتاب‌های رسمی درسی سعی شده است، همه آنچه را که کارشناسان کتاب‌های درسی برای آموزش دانش‌آموزان لازم و ضروری تشخیص داده‌اند، در کتاب‌های رسمی درسی گنجانده شود. بنابراین از همان سال‌های اولیه ورود به آموزش عمومی، کودک همه نیازهای آموزشی خود را در مجموعه کتاب‌های درسی خلاصه می‌کند. بعد از برگزاری امتحانات هم، به کلی کتاب‌ها را به کناری می‌گذارد و البته او مقصر نیست! نظام آموزشی، از او انتظار بیش‌تری ندارد. قبول شدن و ارتقای پایه تحصیلی، همه آن چیزی است که جامعه به او تحمیل می‌کند و از او توقع دارد.

خوشبختانه اخیراً نظام آموزشی، با تغییر نگرش کلی در سیستم ارزشیابی، سعی دارد که توجه معلمان را به فرایند یاددهی - یادگیری و فعالیت‌هایی که می‌توان در این زمینه انجام داد، معطوف دارد. در این فرایند، آنچه حائز اهمیت است، اقدامات و فعالیت‌هایی است که دانش‌آموز شخصاً در جهت یادگیری و کسب تجربه‌های علمی و اجتماعی انجام می‌دهد. هدایت دانش‌آموزان به این سمت و سو، یکی از ویژگی‌های یک معلم خوب و حرفه‌ای است. در این جریان پویا و فعال، دانش‌آموز به مطالعه کتاب و تحقیق و نقد و بررسی هدایت می‌شود. او می‌باید به

در روزگار توسعه فناوری‌های دیجیتال، هنوز هم جایگاه کتاب و کتابخانه و نشریات محفوظ و قابل توجه است



بردن از مطالعه کتاب و نشریات، از دوران کودکی شروع می‌شود که اگر پایگاه محکمی داشت، پایدار می‌ماند. در غیر این صورت، همین می‌شود که مشاهده می‌کنیم.

جای انجام تکالیف بی‌هدف و تکراری و حفظ کردن متون و مفاهیم درسی، در کتابخانه‌ها و لایه‌لای جزوات و کتاب‌ها، دانش پایه خود را بسازد. بیاموزد که رشد فکری و ارتقای سطح یادگیری مسؤولیت همیشگی خود اوست و به کارگیری تجربه‌ها و دانش‌های نهفته در کتاب‌ها به تسهیل یادگیری و افزایش دامنه دانش و توسعه تفکر و اندیشه‌های او کمک می‌کند. امروزه ما در مدرسه‌ها، کتاب‌خوانی بچه‌ها را به کتابدارها و کتابخانه‌های نه‌چندان هدفمند سپرده‌ایم و انتظار داریم، این نهال پربار باشد که متأسفانه پربار نیست. آنچه شاهد هستیم، بی‌اعتنایی به کتاب است که حتی گاهی به وسیله معلمان و مربیان هم نسبت به آن کم‌لطفی‌هایی دیده می‌شود. در جشن‌ها و مراسم می‌بینیم که نقدینه‌ها از درخشش پرتوی کتاب‌ها می‌کاهند. برای پرکردن این خلأ آشکار، تجدیدنظر در برنامه‌های درسی به نظر راهکار مناسبی می‌آید.

زمینه‌سازی، یعنی ایجاد احساس نیاز به مطالعه به مثابه وسیله‌ای برای توشه‌اندوزی در مسؤولیت‌هایی مانند مدیریت، معلمی، دانش‌آموزی و هر نوع کار و حرفه‌ای که به روز بودن آن شرط موفقیت است. در شرایط فعلی، برخی از مدیران و معلمان هم با توجه به مشکلات اجتماعی و بین فردی متعدد، به مطالعه و دانش‌افزایی و آگاهی‌های کلی اجتماعی، نیازی احساس نمی‌کنند. در درجات پایین‌تر، دانش‌آموزان نیز مصداق این نگرش هستند؛ مگر این که انگیزه کتاب‌خوانی قبلاً در خانواده در آن‌ها به وجود آمده باشد.

کتاب‌های آموزشی مناسب در مسیر هدفدار خود، برای ایجاد انگیزه و عادت مطالعه، وسیله‌ای سالم و مناسب و کارآمد هستند، به شرط آن که از سوی مدیران و معلمان مورد توجه قرار گیرند. البته درک بالای مسؤولان از هدف‌های آموزشی و تربیتی و اجتماعی، ضامن توفیق این گونه طرح‌هاست. انگیزه و شوق مطالعه و لذت